



NCRI

کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت ایران



گزارش ماهانه
اکتبر ۲۰۱۴



مقدمه

اکتبر ۲۰۱۴ برگ جدیدی از تاریخ سرکوب زنان در ایران بود که در آن معیارهای جنگ رژیم زن ستیز ایران به مدار جدیدی از بیرحمی رسید. زمینه های این جنایات در ماههای با قانونی شدن تفکیک جنسیتی در شهرداری ها، ایجاد پلیس سرکوبگر برای کنترل حجاب زنان و کاهش حقوق زنان در زندگی خصوصی شان مهیا شد و به اعدام تحت حکومت به اصطلاح مدره انحامید. این خصومت با اظهارات زن ستیزانه امام جمعه اصفهان به اوج رسید که گفت: موضوع حجاب بسا فراتر از یک تذکر است. چوب تر باید بلند شود و از زور باید استفاده کرد. " کمی بعد، بیش از ۲۵ زن جوان و زیبای ایرانی مورد حمله ماموران اسیدپاش رژیم ایران قرار گرفتند که باعث دفورمه شدن چهره و در بعضی موارد از دست رفتن بینایی آنان شد.



سوختگی های ناشی از اسید آنقدر شدید بود که یکی از قربانیان قبل از رسیدن به بیمارستان جان خود را از دست داد. اعضای داخلی یک زن ۲۱ ساله که اسید وارد دهانش شده بود، علاوه بر صورتش سوخت. بعضی عناصر رژیم در حین حمایت مطلق دولت و مجلس از ماموران امر به معروف و نهی از منکر، فریب کارانه اقدام به سفید سازی چهره رژیمشان از این جنایات کثیف و ضد انسانی نمودند. همزمان در سحرگاه ۲۵ اکتبر ۲۰۱۴، ریحانه جباری، یک طراح دکور ۲۶ ساله، پس از ۷ سال زندان و یک محاکمه ناعادلانه، بیرحمانه توسط رژیم ایران اعدام گردید. این اعدام موجب خشم و نفرت عمومی در جامعه بین المللی گردید چرا که این دختر جوان از خودش در برابر تجاوز یک مامور سابق وزارت اطلاعات دفاع کرده و مجبور شده بود به کارهایی اعتراف کند که انجام نداده بود. این حکم اعدام علیرغم اعتراضات و محکومیت های بین المللی که خواهان توقف این مجازات ضد انسانی بودند اجرا شد. عفو بین الملل اینطور موضع گرفت: "خبر شوکه کننده اعدام ریحانه جباری عمیقاً و شدیداً نا امید کننده بود. این یک لکه خونین دیگر بر کارنامه حقوق بشر ایران می باشد."

بدنبال موج حملات اسیدی و اعدام ریحانه جباری، زنان شجاع در سراسر ایران علیرغم تعداد زیاد دستگیری ها و تهدیدها برای بیان اعتراض خود به خیابانها آمدند.



در نتیجه ای مترقبه، رژیم ایران در گزارش شکاف جنسیتی سال ۲۰۱۴، از میان ۱۴۲ کشور، رتبه ۱۳۷ را به خود اختصاص داد. این کشوری است تحت حکومت آخوندهای زن ستیز که بصورت سیستماتیک همه انواع سرکوب علیه زنان را قانونی می کنند. این رژیمی است که به اولیه ترین حقوق زنان باور ندارد و امضا کننده کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان نیز نیست.

نقض سیستماتیک بر امر حق زیستن

اعدام و محکوم به اعدام

اعدام

در آخرین روزهای ماه اکتبر، ریحانه جباری، دانشجوی و طراح دکوراسیون ۲۶ ساله ایرانی در حالت تب و بیماری به چوبه اعدام سپرده شد.

رژیم زن ستیز یک ماه پیش، وی را به قصد اعدام به زندان قزلحصار کرج منتقل کرده بود اما در اثر اعتراضات گسترده اجتماعی و بین المللی عقب نشینی نموده و به قول خودش یک مهلت ده روزه به وی داد اما نهایتاً وزارت اطلاعات حرف نهایی را زد و رژیم در میان اعتراضات گسترده بین المللی این لکه ننگ خونین را در پرونده خود به ثبت داد. رئیس جمهور برگزیده مقاومت خانم مریم رجوی ضمن محکوم کردن این اعدام، این جنایت را آن روی سکه جنایت ضد بشری آخوندها در اسیدپاشیدن بر روی زنان و دختران بیگناه ایرانی توصیف نمود.

قابل ذکر است که جلادان رژیم آخوندی در شب قبل از اعدام و درحالیکه ریحانه بیمار بود و از تب می سوخت او را زیر شکنجه های وحشیانه بردند تا با وعده لغو حکم اعدام از او اعتراف بگیرند و نهایتاً او را بدون اطلاع خانواده اش اعدام کردند.



اعمال ضد بشری و مجازاتهای بیرحمانه

هفت عضو گروه «هپی» به ۹۹ ضربه شلاق و ۶۰۰ هزار تومان جزای نقدی محکوم شدند. در ریحانه طراوتی علاوه بر دو مجازات فوق، به شش ماه حبس نیز محکوم گردید.





دستگیریهای خودسرانه

دستگیری های سیاسی

دستگیری های سیاسی بخاطر حد اقل استفاده از حق آزادی بیان و عقیده موزیک متن کار و حیات حکومت اسلامی است. مهناز حکیمی فعال سیاسی کرد طی خرداد ماه سال گذشته بازداشت شده و کماکان بصورت بلاتکلیف در زندان مرکزی ارومیه نگهداری می شود. این خبر وقتی منتشر شد که وی پس از گذراندن ۳ ماه در بازداشتگاه وزارت اطلاعات به این زندان منتقل شده است.

نیروهای امنیتی در شهر مشهد در شب ۲۰ مهر بصورت وحشیانه و خشن به خانه ناهید گرجی هجوم برده و را بخاطر فعالیت در اینترنت بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل کردند. سپس مسئولان قضایی بعد از ۱۱ روز آزادی وی را به یک وثیقه ۴۰۰ میلیون تومانی مشروط کردند که پرداخت آن از توان خانواده او خارج است. آتنا دائمی فعال مدنی سوژه دیگر دستگیری های خودسرانه بود که صبح روز ۲۹ مهر در منزل خود بازداشت شده و مأموران اطلاعات پس از بازرسی خانه اش، وسایل شخصی او از قبیل کامپیوتر را با خود بردند.



دستگیریهای اجتماعی

روز ۱۶ مهر، تمامی حاضران در یک پارتنی شبانه در یک منزل ویلایی در تهران توسط مأموران انتظامی و امنیتی "دستگیر شدند. ۲۱ دختر در میان بازداشت شدگان بودند.

زندان

شرایط زندان

در زندانهای قرون وسطایی رژیم آخوندی کماکان جایی برای حقوق انسانها وجود ندارد. زندانی سیاسی محکوم به حبس ابد، زینب جلالیان که از مشکلات شدید بینایی رنج می برد، کماکان از هر گونه اقدام درمانی محروم است. او از یک ناخنک بزرگ در سفیدی چشم رنج می برد که به گفته پزشکان نیازمند عمل جراحی است اما دادستان اجازه درمان او را نمی دهد.



احکام زندان

معصومه قلی زاده، فعال سابق دانش جویی از روز شنبه ۱۲ مهر در بند نسوان زندان مرکزی تبریز به سر می برد. وی از سوی دادگاه انقلاب تبریز به اتهام تبلیغ علیه نظام به تحمل ۱۰ ماه حبس تعزیری محکوم شده است. وی در زمان دستگیری مدت ۱۸ روز را در زندان انفرادی وزارت اطلاعات سپری کرده است.





شهروند بریتانیایی - ایرانی غنچه قوامی که در تلاش برای دیدن مسابقه والیبال دستگیر شده بود، قبل از اینکه در روز ۲۲ مهر محاکمه شود بر خلاف قانون رژیم ۱۰۰ روز بصورت بلاتکلیف در زندان اوین محبوس بود. وی از روز ۹ مهر در اعتراض به بلاتکلیفی اش در زندان اوین دست به اعتصاب غذا زد. او از صبح ۱۹ مهر و پس از ۱۱ روز، اعتصاب خود را به همراه هم سلولی خود آتنا فرقدانی (یک فعال حقوق کودکان) به اعتصاب خشک ارتقاء داد. وی نهایتاً روز ۲۲ مهر در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به شکل غیرعلنی محاکمه شد اما کماکان اطلاعی از حکم صادره علیه او در دست نیست.



سرنوشت فهیمه اسماعیل بدوی وجه دیگری از زن ستیزی حاکمان ایران را به نمایش می گذارد. وی معلم دبستان ابتدایی و دانشجوی ریاضیات در دانشگاه دزفول بود. در ۷ اسفند ۱۳۸۴، در حالی که ۸ ماهه باردار بوده، به همراه همسرش، دستگیر و یک ماه بعد دخترش، سلما راد در زندان اهواز به دنیا آورد. مقامات قضایی، سه شرط برای آزادی فهیمه مقرر کرده بودند: ۳۰۰ میلیون تومان وثیقه، طلاق غیابی از همسر و عوض کردن نام کودک. فهیمه شروط را نپذیرفت و به ۱۵ سال زندان محکوم شد. وی در حالیکه همسرش هم اعدام شد تا بحال ۹ سال را در زندان گذارنده است.



قرار بازداشت نگار حائری زندانی سیاسی در زندان قرچک و رامین برای چندمین بار تمدید شد. وی در حالیکه فکر می کرد از تیر ماه سال مشغول گذراندن محکومیت یک ساله خود می باشد متوجه شد شد پرونده جدیدی برای وی تشکیل شده است. حکومت آخوندی علاوه بر این وی را از شغل خود که کارشناس حقوق می باشد محروم کرده اند. وی دختر زندانی سیاسی ماشاء الله حائری از بستگان مجاهدین اشرفی می باشد.



نقض حقوق پایه ای

طی این ماه ملایان حاکم بر ایران مثل همیشه تمام توان خود را برای حذف و به حاشیه راندن زنان کردند تا راهی بجز افسردگی و خودکشی برای آنها نماند. رئیس بیمارستان اعصاب و روان تهران، شیوع اختلال افسردگی، در زنان ایرانی را دو برابر مردان اعلام نمود.



روز ۸ مهرماه، یک زن ۲۷ ساله گُرد به نام زینب جلالی، در در شهرستان خوی از فشار فقر و مشکلات اجتماعی اقدام به خودکشی نموده و به زندگی خود پایان داد.

ازدواج های اجباری دختر بچه ها یک شبه رایج برای سرکوب استعداد دختران و تخریب آینده آنان است. خبرگزاری ایسنا اعلام نمود که در سال ۹۲، سه مورد ازدواج زیر ۱۰ سال و چهار هزار و ۴۸۸ مورد ازدواج دختران زیر ۱۵ سال در استان آذربایجان شرقی



ثبت شده است. این ازدواج های عوارض شوم بعدی را برای زنان ایرانی بدنبال دارد. جزییات آماری نشان می دهد که ۳۵ درصد از مبتلایان به ایدز در سال ۹۱ را زنان تشکیل می دهند و از کل مبتلایان به این بیماری، ۱۱ درصد در سنین ۱۵ تا ۲۴ سال می باشند. زهرا ساعی، مدیرکل امور بانوان استانداری تهران گفت: در حال حاضر بیش از ۱۲ درصد خانواده ها توسط زنان سرپرستی می شوند.

با وجود این تعداد زنان سرپرست خانوار، مشاور وزیر صنعت، معدن و تجارت در امور بانوان در اصفهان گفت: در اتاق بازرگانی تهران به ازای هر ۴۰۰ نفر دارنده کارت بازرگانی ۹ نفر زن می باشد و این نشان از حضور اندک بانوان در عرصه بازرگانی و تولید است. ۹۰ درصد بافندگان فرش را بانوان تشکیل می دهند اما سهم اقتصادی آنان



از گردش مالی این بخش کمتر از پنج درصد است.

این وضعیت البته ریشه در افکار زن ستیز مقامات رژیم دارد. مدیرکل تبلیغات اسلامی استان اردبیل، تحصیل زنان و تصدی برخی شغل ها توسط زنان را یک تهدید عنوان کرد.



بهانه حجاب همه جا ابزار تحقیر زنان است. روز یکشنبه ۶ مهر، مسئولین دانشگاه آزاد شهر قدس تهران

اقدام به ممنوع تحصیل کردن سه دانشجوی دختر به مدت یک ترم، به علت استفاده از مانتوی طرح دار در دانشگاه، کردند. در دانشگاه شوستر، پوشش چادر بعنوان فرم اجباری دختران تعریف شد.

این توهین ها دامن گردشگران خارجی را نیز گرفت. روز ۶ مهر ماه، جمعی از توریست های خارجی در مقابل هتل امیرکبیر کاشان داخل اتوبوس نشسته بودند با چند مامور انتظامی مواجه شدند که وارد اتوبوس شده و به چند خانم گفتند، باید روسری هایشان را جلو بکشند.

فعالین حقوق بشر در این میان سهم به سزایی از سرکوب دارند. روز ۲۶ مهر، شعبه دوم دادگاه انتظامی و کلا نسرين ستوده را پس از سالها زندان برای ۳ سال از وکالت محروم نمود.



طبق آخرین آمار از مهاجرت نخبگان ایرانی، دختران و زنان ۴۰ درصد از مغزهایی را تشکیل می دهند که کشور را

ترک می کنند.

تبعیض علیه زنان

تبعیض علیه زنان در قوانین رژیم پایه گزارى می شود. شماری از اعضای مجلس آخوندی با ارائه طرحی مقرر نمود زنانی که پوشش مورد نظر آخوندها را رعایت نمی کنند به پرداخت جریمه نقدی از ۲ تا ۱۰ میلیون ریال محکوم می شوند. همچنین زنان شاغل در صورت رعایت نکردن حجاب می توانند به کسر حقوق محکوم شوند.



این در حالی است که در حال حاضر نیز به گفته شهین دخت مولوردی معاون امور بانوان دولت روحانی، با وجود افزایش فارغ التحصیلان زن و دانشجویان دختر، تعادلی در بازار کار ایران وجود ندارد. تبعیض علیه زنان در سایر عرصه های اجتماعی نیز جریان دارد. امام جمعه مشهد گفت: اباحه گری و تک خوانی زنان و توسعه موسیقی در راستای منافع دشمنان اسلام و نظام است. مطابق با همین بیانات، گروه موسیقی «عرفان» که برای اجرای برنامه به اصفهان سفر کرده بود، بر خلاف توافقات اولیه مجبور شد اولین کنسرت خود را بدون حضور نوازندگان زن گروه اجرا کند. و کنسرت های بعدی را لغو نماید.



اعتراضات زنان

زنان ایرانی در برابر زن ستیزی ملایان راه را در اتحاد و همدلی یافته اند. وقتی محسن امیر اصلانی با اتهامات دروغین به دار آویخته می شود، این مادر ستار بهشتی و مادران پارک لاله هستند که با دیدار با مادر او، و با پیام مقاومت و



پایداری بر دردهای مادر داغدار مرهم می نهند.

بعد از جنایت اسید پاشی در اصفهان و سایر شهرهای ایران زنان در خط مقدم اعتراض به این اعمال وحشیانه ایستادند. روز ۳۰ مهر، بیش از ۲۰۰۰ تجمع کننده در مقابل دادگستری اصفهان و جمعیت کثیری در مقابل مجلس رژیم در تهران شعار دادند: "مرگ بر داعشی ایرانی"، "ای بدتر از داعشی اسید به ما می پاشی"، "مرگ بر اسیدپاش"، "حجاب به زور نمی شه"، "با حجاب بی حجاب، اسیدپاشی نمی خوایم"، "حق زن از امنیت؟ اسید پاشی، جنایت"، "قوانین ضد زن ملغی باید گردد" و "ترسید



ترسید ما همه باهم هستیم"

جواب نیروهای سرکوبگر به شرکت کنندگان در این تظاهرات مثل همیشه حمله و دستگیری و ضربات باتوم و شلیک های هوایی بود. آنها بیش از ۵۰ تن از جوانان را بازداشت و به نقطه نامعلومی منتقل شدند. دستگیری یکی از زنان تظاهرکننده در تهران موجب اوج گرفتن شعارها گردید.

پس از تجمعات روز ۳۰ مهر، فراخوان های متعددی از تهران و سایر شهرها برای تجمع و اعتصاب سراسری در روز ۳ آبان، در شبکه های اجتماعی منتشر شد. رژیم آخوندی با اعدام ریحانه جباری در سحرگاه همین روز، قصد ارعاب زنان را داشت. ایادی رژیم همچنین با ارسال گسترده پیامک «شهروند گرامی به موجب ماده ۴۹۹ قانون مجازات اسلامی برپایی هر گونه تجمع غیرقانونی جرم



محسوب می گردد»، می خواستند اعتراضات را خاموش کنند. اما طرفی نیستند و تجمعات طبق برنامه اولیه و با خشم برانگیخته تر در شهرهای تهران، اصفهان، مشهد، رشت، اهواز، شهرکرد، سقز و ... با شرکت چشمگیر زنان شکل گرفت و در بعضی شهرها به درگیری انجامید.

اعتراض مردم سقز علیه اسید پاشی به اعتراض علیه ولی فقیه ارتجاع تبدیل شد و مردم با شعار مرگ بردیکتاتور، رأس نظام ولایت را هدف قرار دادند.

در صحنه بین المللی نیز، مدافعان حقوق زنان و حامیان حقوق بشر به همبستگی با خواست مردم ایران پرداخته و اعمال ضد انسانی خشونت علیه زنان را محکوم نمودند.

با مراجعه به این لینک به کمپین ما بپیوندید:

http://www.change.org/p/un-women-ban-ki-moon-zeid-ra-ad-al-hussein-un-highcommissioner-for-human-rights-ms-nicole-ameline-call-to-protest-new-wave-of-recent-acid-attacks-against-womenand-girls-in-iran?recruiter=80464749&utm_campaign=twitter_link&utm_medium=twitter&utm_source=share_petition